

منطق تصور و اقسام قضایا در زبدة الاسرار نوشته ائیرالدین ابهری

اسدالله فلاحی *

DOI: 10.22096/ek.2026.2084391.1622

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۰۲]

چکیده

کتاب زبدة الاسرار نوشته ائیرالدین ابهری شامل منطق، طبیعیات و الهیات، و بنا به شواهد موجود، نخستین کتاب حکمی او و دارای حجم متوسط است. بنا به ارجاعاتی که ابهری در رساله مختصر خود، هدایة الحکمة، برای تفصیل بیشتر به زبدة الاسرار می‌دهد، آشکار می‌شود که این کتاب حتی پیش از آن رساله نوشته شده است. در این مقاله، با بررسی بخش‌های نخستین منطق زبدة الاسرار برخی از نکات برجسته و نوآوری‌های این کتاب را نشان می‌دهم. ابهری در این بخش «مرکب تقییدی» در برابر «مرکب خبری» را برای نخستین بار در تاریخ منطق در جهان اسلام تعریف و در آثار بعدی خود با کاربرد مکرر این دو مفهوم آن را در منطق و فلسفه اسلامی تثبیت می‌کند. او در این کتاب بر قضیه ذهنیه تأکید می‌کند، ولی در آثار بعدی خود گاه قضیه حقیقیه و گاه قضیه خارجییه را در جایگاه برتر می‌نشاند. در موجهات، او مطلقه متوسطه و ممکنه متوسطه را برای نخستین بار در تاریخ منطق طرح می‌کند و برخلاف پیشینیان، نشان می‌دهد که عکس مستوی قضایای ضروریه و دائمه برابر است با «مطلقه متوسطه»، نه چنانکه ابن‌سینا گمان می‌کرد «مطلقه عامه»، یا چنانکه فخر رازی می‌پنداشت «ممکنه عامه».

واژگان کلیدی: زبدة الاسرار؛ هدایة الحکمة؛ ابن‌سینا؛ فخر رازی؛ زین‌الدین کشی.

* استاد، گروه منطق، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ایران.

از اثیرالدین ابهری، دست کم ۱۸ اثر حکمی شامل ۴ اثر منطقی کامل و ۱۴ اثر سه گانه (شامل منطق، طبیعیات و الهیات) به دست ما رسیده است. این آثار غیر از آن دسته آثار منطقی او است که به موضوعات خاص منطقی پرداخته و از همین رو، مورد بررسی خاص این مقاله قرار نمی گیرند. در مقالات دیگری،^۱ دو رساله صرفاً منطقی (ایساغوجی و رساله فارسی در منطق) را به همراه دو اثر سه گانه (زبدۃ الاسرار و هداية الحکمة) بررسی کرده ام که شواهد نشان می دهد نخستین چهار رساله حکمی ابهری هستند.

در این میان، کتاب زبدۃ الاسرار به دلیل حجم گسترده تر آن نسبت به سه رساله دیگر حاوی نکاتی برجسته بود که فرصت بررسی آن در مقاله یادشده پیش نیامد. از این رو، در این مقاله می کوشم نوآوری ها و ویژگی های مهم و برجسته بخش منطق این کتاب را نشان دهم و تأثیرپذیری آن از آثار منطقی معاصران ابهری (زین الدین کُشی و افضل الدین خونجی) و اخلاف نزدیک او (مانند فخر رازی و عمر بن سهلان ساوی، نویسنده البصائر النصیریه) را به نمایش بگذارم.

شواهد چندانی از تأثیرپذیری ابهری در این کتاب از آثار شیخ اشراق و یا معاصران ابهری مانند شرف الدین مراغی و افضل الدین بامیانی مشاهده نشد و برای این باید منتظر آثار بعدی او بود که به وضوح تحت تأثیر این معاصران قرار خواهد گرفت. شواهدی که در این مقاله از کتاب زبدۃ الاسرار نشان خواهم داد، در هیچ یک از سه رساله مختصر دیگر ابهری (ایساغوجی و رساله فارسی در منطق و هداية الحکمة) دیده نمی شود و همین لزوم بحث از بخش منطق این کتاب را آشکار می سازد.

از آنجا که مطالب کتاب زبدۃ الاسرار بیش از آن است که در یک مقاله بتوان به آن پرداخت، در این مقاله صرفاً به بخش های ابتدایی آن (منطق تصورات و تقسیمات قضایا) می پردازم و بحث از احکام قضایا و قیاس ها را به مقاله دیگری موکول می کنم.

ترتیب آثار منطقی ابهری

در مقاله دیگری،^۲ ۱۸ اثر حکمی ابهری که به دست من رسیده را به حسب زمان نگارش مرتب کرده و به حسب شباهت های محتوایی در درون مایه آنها به چهار دسته تقسیم کرده ام و در اینجا، برای تسهیل در مراجعه، تکرار می کنم. در فهرست زیر، موارد ستاره دار (*) آنهایی هستند که صرفاً شامل منطق و فاقد طبیعیات و الهیات اند و موردی که با ○ مشخص شده، نسخه خطی اش متأسفانه شامل بخش منطق نیست.

۱. اسدالله فلاحی، «اثیرالدین ابهری: نخستین چهار اثر منطقی»، هستی و شناخت ۱۰، ش. ۲ (۱۴۰۲): ۱۱۳-۱۴۰؛ اسدالله فلاحی، «برهان افتراض در نخستین آثار منطقی ابهری»، هستی و شناخت ۱۱، ش. ۱ (۱۴۰۳): ۱-۲۰.
۲. فلاحی، «اثیرالدین ابهری: نخستین چهار اثر منطقی»، ۱۴۰-۱۱۳.

منطق تصور و اقسام قضایا در زبدة الاسرار نوشته ائیر الدین ابهری / فلاحی ۹

الف) چهار اثر زیر نخستین نوشته‌های منطقی ابهری و به لحاظ محتوایی نیز نسبتاً ابتدایی هستند:

۱. * ایساغوجی (متن در اینترنت: ۱۴۳۹ق)

۲. * رساله فارسی در منطق (تصحیح: محمدتقی دانش‌پژوه، ۱۳۴۹)

۳. زبدة الاسرار (تصحیح مهدی حسینی‌زاده، ۱۳۹۴؛ عبدالعزیز صامت خوجا، ۲۰۲۴)

۴. هدایه (سه تصحیح: محمدتقی دانش‌پژوه، ۱۳۴۹؛ نجفقلی حبیبی، ۱۳۸۷؛ عبدالرحمن ترکمانی، ۱۳۹۸)

ب) چهار اثر زیر را ابهری در سال ۶۲۷ق. به نجم‌الدین کاتبی تدریس کرده و انتهائیه‌ای بر صدر هرکدام نگاشته است که خوشبختانه هر چهار اثر با هم در دو مجموعه به دست ما رسیده است (یکی در کتابخانه فاضل احمد پاشا، ش. ۱۶۱۸ و دیگری در کتابخانه مراد ملا، ش. ۱۴۰۶). این چهار اثر را می‌توان دوران میانی منطق‌ورزی ابهری به شمار آورد:

۵. بیان الاسرار (تصحیح مهدی عظیمی، ۱۳۹۶؛ نور بُلک، ۲۰۱۸)

۶. تلخیص الحقائق (تصحیح مهدی عظیمی، ۱۳۹۵؛ حسین چلیک، ۲۰۱۹)

۷. رساله المطالع (تصحیح مهدی عظیمی، ۱۳۹۹؛ عبدالعزیز صامت خوجا، ۲۰۲۴)

۸. زبدة الحقائق (تصحیح مهدی عظیمی، ۱۳۹۸؛ سلطان توران، ۲۰۱۷)

ج) سه کتاب زیر دوره سوم (دوره نقدهای ابهری بر فخر رازی) هستند:

۹. مراد المقاصد (راجح مصطفی مصطفی هلال، ۲۰۲۴) (مصطفی بورص بوغا و سمیه شهیده جان، ۲۰۲۵)

۱۰. ○ کشف الدقائق فی علم الحقائق (نسخه خطی مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۴۸۲)

۱۱. کتاب الشکوک علی الملخص (مصطفی بورص بوغا، ۲۰۲۵)

د) هفت کتاب زیر دوره پختگی و پایانی ابهری و مواجهه جدی او با کشف الاسرار خونجی هستند:

۱۲. منتهی الافکار فی إبانة الاسرار (تحریر اول) (مهدی عظیمی و هاشم قربانی، ۱۳۹۵)

۱۰ هستی و شناخت / سال ۱۱ / شماره ۲ / پیاپی ۲۲ / صص ۷-۳۲

۱۳. منتهی الافکار فی إبانة الاسرار (تحریر دوم) (مهدی عظیمی و هاشم قربانی، ۱۳۹۵)

۱۴. عنوان الحق و برهان الصدق (زین العابدین حسینی ۲۰۲۵) (نسخه خطی مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۷۵۲)

۱۵. * دقائق الافکار (محمدجعفر جامه‌بزرگی، ۱۳۸۸) (نسخه خطی مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۷۵۲)

۱۶. كشف الحقائق فی تحرير الدقائق (حسین صاری‌اوغلو، ۱۹۹۸)

۱۷. * خلاصة الافکار و نقاوة الأسرار (مهدی عظیمی و هاشم قربانی، ۱۳۹۶)

۱۸. تنزیل الافکار فی تعديل الأسرار (محمود آی و مصطفی بورص بوغا، ۲۰۲۵) (نسخه لاله‌لی ۲۵۶۲).

ترتیب پیشنهادی در بالا، یا بر حسب ارجاعات موجود در متن برخی از این آثار به آثار پیشین است یا بر حسب اصلاح و تکمیلی است که به‌وضوح نشانگر پختگی یک اثر نسبت به اثر قبلی است. چنانکه در مقدمه گفتم، در این مقاله، به دلیل ملاحظات حجمی، صرفاً به بخش نخست زبدة الاسرار خواهم پرداخت و امیدوارم بخش دوم این کتاب و نیز بخش‌های منطقی رسائل و کتاب‌های بعدی ابهری را در مقالات دیگری معرفی و تحلیل کنم.

۱. دست‌نویس‌ها و تصحیح کتاب زبدة الاسرار

از کتاب زبدة الاسرار ابهری تنها سه نسخه خطی زیر را می‌شناسم:

۱. نسخه کتابخانه قونیه به شماره ۹۲۵

۲. نسخه کتابخانه فیض‌الله افندی به شماره ۱۲۱۰

۳. نسخه کتابخانه مرعشی نجفی به شماره ۴۰۶۰

نسخه نخست در ۱۲۴ برگ ۱۳ سطری به تاریخ ۱۴ جمادی الأولى سال ۶۵۵ ق. استنساخ و در آن، نام ابهری با عبارت دعایی «رحمة الله علیه» همراه شده که نشان‌گر درگذشت او پیش از این تاریخ است. از آنجاکه حمدالله مستوفی (۶۷۹-۷۵۰ ق.) درگذشت ابهری را در دوران حکومت هلاکوخان مغول گزارش کرده و حکومت هلاکو میان سال‌های ۶۵۴-۶۶۳ ق. بوده، بیشتر متأخران تاریخ درگذشت ابهری را ۶۶۳ ق. دانسته‌اند، ولی با استناد به نسخه قونیه می‌توان و بلکه باید درگذشت او را یکی از دو سال ۶۵۴ و ۶۵۵ ق. دانست.

نسخه دوم مجموعه‌ای است که آن را فردی به نام «یعقوب بن ابی الفرج ابن القسّیس المتطبّب» به تاریخ ۲۷ جمادی الثانی سال ... استنساخ کرده که متأسفانه سال استنساخ را با نگه‌کاغذی پوشانده‌اند و از این رو قابل قرائت نیست. این مجموعه شامل دو کتاب لباب الإشارات فخر رازی و زبدة الاسرار ابهری است که کتاب لباب الإشارات در ۷۸ برگ نخست نسخه تا اواسط نمط نهم (در مقامات عارفین) آمده و ما بقی آن افتاده است و ۹۰ برگ بعدی (از برگ ۷۹ تا ۱۶۸) مربوط به زبدة الاسرار ابهری است که متأسفانه تنها دو برگ از آن مربوط به منطق این کتاب است و برگ‌های دیگر مربوط به منطق همگی از دست رفته‌اند.

نسخه سوم مجموعه‌ای است در ۴۸ برگ ۲۱ سطری که ۳۷ برگ نخست آن شامل طبیعیات و الهیات کتاب زبدة الاسرار ابهری است، اما متأسفانه نه بخش منطق را دارد، نه نام مستنسخ و نه حتی تاریخ استنساخ را. پس از این، سه رساله کوتاه آمده است با عناوین رساله فی الأضرلاب، الضرب بجدول السّین و الجذر بجدول السّین که در هیئت و ریاضیات است. در برگ دوم این مجموعه، شعرهای معروف زیر از خواجه نصیر آمده که با آنچه درباره حکومت هلاکو و تاریخ درگذشت ابهری یاد کردم بسیار مربوط است:

سال عرب چو ششصد و پنجاه و چهار	یکشنبه اول ذی‌القعدة بامداد
خورشاه پادشاه اسماعیلیان ز تخت	پیش تخت هلاکو بیستاد
سال هجرت ششصد و پنجاه و شش	روز یکشنبه چهارم از صفر
شد خلیفه پیش هلاکو روان [وزان در اصل]	دولت عباسیان آمد بسر
چو هلاکو بمراغه بزمستان گه شد	کرد تقدیر ازل نوبت او را آخر
سال بر ششصد و شصت و سه شب	که شب نوزدهم بُد ز ربیع الآخر
گر عین خدا بخویش مقرون بینی	در کل جهان خدای بی‌چون
چون کل جهان آینه کل خداست	در کل خدا غیر خدا چون بینی؟

چنانکه گفتم، نسخه نخست که اقدم نسخ و اندکی پس از درگذشت ابهری استنساخ شده، شوربختانه از منطق کتاب زبدة الاسرار تنها دو برگ را در بر دارد و نسخه سوم هم متأسفانه به‌طور کلی فاقد بخش منطق است. در واقع می‌توان گفت که این دو نسخه صرفاً شامل بخش‌های طبیعیات و الهیات کتاب هستند؛ از این رو یگانه تکیه‌گاه ما برای بخش منطق این کتاب نسخه دوم است که برگ‌های آن نیز در صحافی مجدد با جابه‌جایی‌های فراوان و به صورت بسیار مغشوش از نو چیده شده و با تأسف بسیار فاقد صفحه نخست منطق (و به‌ویژه، خطبه کتاب) است.

خوشبختانه، اما، مهدی حسنی‌زاده در گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه تهران کتاب زبدة الاسرار را بر پایه نسخه‌های دوم و سوم به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد تصحیح کرده است. این تصحیح هرچند قوت نسبی دارد، از جمله به دلیل استفاده نکردن از نسخه قونیه، همچنان نیازمند تصحیح انتقادی و بیش از آن نیازمند بررسی محتوایی و علمی است. در این مقاله، برای هدف دوم، به این تصحیح ارجاع خواهیم داد. توجه داریم که بخش منطق این کتاب، به دلیل فقدان آن در نسخه‌های اول و سوم، تنها از روی یک نسخه خطی تصحیح شده است؛ از این رو در موارد متعددی عبارات تصحیح شده نادرست به نظر می‌رسیدند و ناگزیر از مراجعه به نسخه دوم شده‌ام و گاه ناگزیر گشته‌ام برخی عبارات خطای همان نسخه را با حدس و گمان اصلاح کنم.

در ادامه، مواردی که در بخش منطق زبدة الاسرار مهم و برجسته یافته‌ام گزارش و با آثار منطقی معاصران و اخلاف نزدیک ابهری مقایسه می‌کنم و نوآوری‌های اندک و میزان تأثیرپذیری آن از آثار یادشده را در حد بضاعت خویش به دست می‌دهم.

۲. تعریف مرکب تقيیدی

یکی از نکات مهم زبدة الاسرار تعریف مفهوم «تقيیدی» است که در اثر معاصر او، زین‌الدین کشی، در قالب تفکیک مرکب تقيیدی از خبری ظهور یافته بود. کشی در حقائق الحقائق می‌نویسد:

وأما المركب، فهو ... إما أن يكون تقييداً، كالحیوان الناطق فی حدّ الإنسان؛ أو خبرياً، وهو القضية؛ أو لا يكون تقييداً ولا خبرياً ...^۳

اصطلاح «تقيیدی» با یای نسبت را نگارنده در آثار پیش از کشی ندیده است و گمان می‌رود که او جاعل این اصطلاح باشد. البته ریشه تمایز «ترکیب تقيیدی» و «ترکیب خبری» را می‌توان در این تک‌عبارت به‌منیاریار در التحصیل یافت:

هذه الزوائد ان أخذت جزءاً من الموضوع افادت التقييد و لم يصلح ان يكون الكلام خبراً.^۴

ابهری در زبدة الاسرار مفهوم «تقيیدی» را بر تعریف‌ها (حد و رسم) حمل و آن را به ترکیبی که میان آن بتوان موصول (مانند «که» و «الذی») آورد تعریف می‌کند:

۳. زین‌الدین عبدالرحمن کشی، حقائق الحقائق فی علم المنطق و الطبیعی و الإلهی، تصحیح علی‌اصغر جعفری ولنی (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۴۰۴)، ۷۸.

۴. بهمنیار بن مرزبان، التحصیل، تحقیق مرتضی مطهری، چاپ دوم، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۵)، ۶۴.

و هذه الأقوال تسمى «أقوالاً تقييدية» إذ يصح أن يقع بين أجزائه لفظ «الذى».^۵

آشکارا، «اقوال تقيیدی» در برابر «اقوال خبری» قرار می‌گیرد که همان قضایا باشند، زیرا واژه «قول» در اصطلاح منطقی به معنای «لفظ مرکب» است؛ از همین رو بعدها ابهری به جای این دو اصطلاح، همان عبارت کشی («مرکب تقيیدی» و «مرکب خبری») را به کار می‌برد:

وأما المركب فإما أن يكون تقييدياً كـ«الحيوان الناطق»؛ أو خبرياً كقولنا: «زيد كاتب»،

ويسمى قضية؛ أو لا يكون تقييدياً ولا خبرياً، ولا يتعلق به غرض المنطقي.^۶

آشکارا، ابهری این عبارت را از کشی برگرفته، هرچند انتهای آن (ولا يتعلق به غرض المنطقي) افزوده خود ابهری است. البته در درستی این عبارت تردید جدی وجود دارد، زیرا مرکب‌های غیر تقيیدی و غیر خبری مانند «لا إنسان»، «غير بصير»، «طلوع الشمس» و «وجود النهار» در قضایای معدوله، عکس نقیض، قضایای سالبه و قضایای شرطیه کاربرد دارند و برای نمونه، جمله «طلوع الشمس غير موجود» مترادف است با جمله «ليست الشمس طالعة» و جمله «طلوع الشمس مستلزم لوجود النهار» عبارت دیگری است از «إذا طلعت الشمس كان النهار موجوداً» و به خوبی نشان می‌دهد که مقدم و تالی شرطی قضیه و مرکب خبری نیستند.

البته می‌توان گفت که ترکیب‌هایی مانند «لا إنسان»، «غير بصير»، «طلوع الشمس» و «وجود النهار» در واقع ترکیب‌های تقيیدی هستند، زیرا مثلاً مفهوم «لا» مفهومی مطلق و نامقید است، اما مفهوم «لا إنسان» مفهومی مقید است و بنابراین، در اینجا نیز نوعی تقيید وجود دارد، اما نه تقيید به «که» و «الذى» (زیرا «لا إنسان» به معنای «لا الذى إنسان» نیست). بنابراین، شاید مناسب باشد که «مرکب تقيیدی» را اعم از ترکیبی بگیریم که میان آن، «که» و «الذى» می‌آید.

ابهری، در آثار متأخرتر خود «معقولات ثانیه» را صراحتاً به مرکبات تقيیدی و خبری تفسیر می‌کند، ولی موضوع منطق بودن آنها را وامی‌زند:

وأخطأ من قال: «إن موضوع المنطق المعقولات الثانية» - أى المركبات التقييدية

أو الخبرية - «من حيث إنه يمكن أن يتأذى بواسطتها إلى المجهولات» لأن المنطقى

كما ينظر فيها، كذلك ينظر فى مفرداتها.^۷

۵. اثیرالدین ابهری، زبدة الاسرار، تحقیق و تصحیح مهدی حسینی‌زاده (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴)، ۲۷.

۶. اثیرالدین ابهری، بیان الاسرار، در مهدی عظیمی، «منطق ابهری در بیان الاسرار»، فلسفه و کلام اسلامی ۵۰ (۱۳۹۶): ۲۸۱.

۷. اثیرالدین ابهری، خلاصة الأفكار و نقاوة الاسرار، تصحیح مهدی عظیمی و هاشم قربانی، مقدمه مهدی عظیمی (تهران: انتشارات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۶)، ۱۰۵.

مرکبات تقییدیه همان حد و رسم هستند و مرکبات خبریه همان قضایا و قیاسات می‌باشند. از این عبارت ابهری چنین به دست می‌آید که معقولات ثانیه همگی «مرکب» هستند و هیچ معقول ثانی «بسیط» نداریم! این ادعا بسیار شگفت است، زیرا اجزای نهایی معقولات ثانیه همگی معقول ثانی و بسیط هستند.

ابهری در خلاصة الأفكار حتی به تقسیم «تقییدی» به اقسام می‌پردازد و اقسام مرکب غیرتقییدی و غیرخبری را نیز مطرح می‌کند:

غیر التامّ فهو إمّا تقییدی وهو الذی یتربّع من اسمین، أو اسمٍ وفعلٍ؛ ویكون الثانی قیداً فی الأولِ ویقومُ مقامه لفظٌ مفردٌ كـ«الحيوانِ الناطقِ»؛ وإمّا غیرُ تقییدی كالمرکبِ من کلمةٍ وأداةٍ أو من اسمٍ وأداةٍ.^۸

متأسفانه، ابهری برای مرکب تقییدی مرکب از اسم و فعل مثال نزده است. در آغاز به نظر می‌رسد ترکیب اسم و فعل خبری است، نه تقییدی؛ مانند «زید قام» و «قام زید»، و معلوم نیست چرا ابهری آن را قسمی از تقییدی به شمار آورده است. به نظر می‌رسد این عبارت ابهری برگرفته از فخر رازی در دو عبارت زیر و اصلاح و تکمیل آن دو باشد:

المرکب إمّا أن یكون تامّ الدلالة - وهو الذی ترکب من اسمین، أو اسم و کلمة - وإمّا أن یكون ناقص الدلالة، وهو الذی ترکب من اسم و أداة.^۹

در اینجا مقصود فخر رازی از ترکیب از دو اسم و از اسم و فعل همانا مرکب خبری مانند «زید قائم» و «قام زید» است، و نه مرکب تقییدی که ابهری منظور داشته است. توجه کنیم که مرکب تام انشائی در اینجا مقصود نیست، زیرا دو اسم یا یک اسم و یک فعل هرگز ترکیب انشائی به دست نمی‌دهند و حتماً نیاز به یک حرف (ادات) برای انشاء وجود دارد. عبارت بعدی فخر رازی مؤید این معنا است:

و أمّا المؤلف فالمشهور أنّه إمّا أن یتألف من اسمین، أو اسم و فعل. و نقضوه بالنداء؛ و أجیب عنه بأنّ حرف النداء فی تقدیر الفعل.^{۱۰}

۸. ابهری، خلاصة الأفكار، ۱۱۷.

۹. محمد بن عمر فخر رازی، لباب الاشارات و التنبیها، مقدمه و تحقیق از دکتر احمد حجازی السقا، (قاهره: مکتبة الکلیات الازهریة، ۱۹۸۶م)، ۲۴.

۱۰. محمد بن عمر فخر رازی، منطق الملخص، تصحیح احد فرامرز قراملکی و آدینه اصغری‌نژاد (تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۱)، ۲۴.

مقصود از ترکیب ندائی عباراتی مانند «یا زید» است که نحوین آن را به «أدعو زیداً» تفسیر کرده‌اند. آشکار است که هرچند عبارت «یا زید» انشائی است، عبارت «أدعو زیداً» خبری است و این نادرستی سخن نحوین از دیدگاه منطقی را نشان می‌دهد.

اصطلاح «مرکب تقيیدی» تقریباً در همه کتاب‌های ۱۰ گانه دوره‌های سوم و چهارم منطق‌نگاری ابهری تکرار می‌شود و پس از او بسیاری از منطق‌دانان، متأثر از او، تقسیم مرکب به خبری و تقيیدی را پذیرفته و به کار برده‌اند و افزون بر این، حکیمانی مانند میرداماد به تمایزهایی مانند «حيثیت تقييدیه» در برابر «حيثیت تعليلية» و نیز «حيثیت ترکیبیه» در برابر «حيثیت تحليلیه» رسیده‌اند:

الضّابط المعيارى فى الحیثیات المختلفة للشیء:

۱. أنّها مهما كانت فى التعبير و الحکایة فقط، لا فى المعبر عنه أيضاً، أوجبت تكثر أنحاء مختلفة و عنوانات متغایرة للذات الأحدية البسيطة من كلّ جهة، لا غیر.
۲. و إذا كانت فى الذات المحكى عنها:

a. فإن كانت متعاندة غیر مضمّنة إحداها فى الأخرى متفارقة الحصول ليس انتفاء إحداها بعينه مضمّناً فيه انتفاء الأخرى البتّة، كانت هی لا محالة حیثیات ترکیبیه مستوجبة أجزاء وجودیه للشیء فى الأعیان، و تكثر فيه بحسب الخارج إزاء لتكثر الحیثیات فى لحاظ العقل.

b. و إن كانت متخالطة مضمّنة عضه منها فى عضه ليس يتصور انتفاء إحداها إلّا و يتضمن فيه بعينه انتفاء الأخرى، كانت هی لم تكن إلّا حیثیات تحليلیه، إنّما تستوجب للشیء تركباً و تكثر فى التّصور التحلیلى الذى هو لحاظ التّعين و الإبهام و ظرف الخلط و التعرّية، و هی جهات و اعتبارات متکثرة تصوّریة لذات عینیه بسیطة فى الوجود.

ثم مطلق الحیثیات المتکثرة طباعی لها على الإطلاق - أى سواء كانت متقابلة أو متخالفة غیر متصادقة - أنّها إذا تحینت بها ذات المعروض تحیناً تقيدياً أو اختلافاً و تكثر فى الذات لاحقاً بحسبها و إنّما يلحق الذات بحسب إحداها، ليس یصحّ يلحقها بحسب حیثیه أخرى أصلاً، و إنّها لا یتصحّ حصولها إلّا بالاستناد إلى اختلاف حیثیات سابقه تعليلية، و ليس من حقّها البتّة أنّها لا تعرض ذاتاً واحدة إلّا من بعد حیثیات تقييدیه سابقه.^{۱۱}

۱۱. محمدباقر میرداماد، مصنفات میرداماد، جلد ۲، الافق المبین، به اهتمام عبدالله نورانی، چاپ اول، (تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگى، ۱۳۸۵)، ۱۰۳-۱۰۴.

و لا يجب عرق الشبهة إلا تكثير الحيثية التقييدية الموقعة تكثراً في ذات الموضوع دون التعليلية، كما يقال: إنَّ التوعية من حيث إنَّه عدم مقيد، و التقابل من حيث إنَّه رفع للعدم، و لا يقرن بما يكثر الجهة.^{۱۲}

این تمایزها را بعدها ملاصدرا و پیروان او به کرات به کار برده‌اند و از این رو، اهمیت یافتن ریشه این اصطلاحات آشکار می‌شود.

۳. تکرار در تعریف

ابهری در زبده الاسرار به عدم جواز تکرار در تعریف مگر در مورد امور متضایف تصریح می‌کند.

ومن [مغالطات التعريف] التكرار، كقول القائل: «الإنسان حيوان جسماني ناطق» فإن «الجسماني» مكرر؛ إذ «الحيوان» يدل على «الجسم» بطريق التضمن. وقد يجوز التكرار إذا كان لضرورة كما يكون في تعريف الإضافيات، مثل ما يقال: «الأب حيوان يفرع [كذا] آخر من نوعه من نطفته من حيث هو كذلك» فقولنا «من حيث هو كذلك» مكرر؛ إذ لا يمكن تعريف الإضافيات إلا كذلك.^{۱۳}

به نظر می‌رسد که این ایده را ابهری از فخر رازی برگرفته است:

و اعلم: أن التكرير قد يكون في محل الضرورة، و قد يكون في محل الحاجة، و قد يكون لا في محل الضرورة و لا في محل الحاجة. أما الذي في محل الضرورة فهو تعريف الإضافيات. كقولك: «الأب حيوان يولد آخر من نوعه من نطفته من حيث هو كذلك». فقولك «من حيث هو كذلك تكرير» و لكنه لابد منه.^{۱۴}

و فخر رازی نیز در این تعریف وام‌دار ابن‌سینا در شفا و اشارات است:

الأب حيوان يولد آخر من نوعه من نطفته من حيث هو كذلك.^{۱۵}

۱۲. میرداماد، مصنفات میرداماد، ۲: ۳۵۱.

۱۳. ابهری، زبده الاسرار، ۲۹.

۱۴. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۹۸۶م)، لباب الاشارات و التنبیها، مقدمه و تحقیق از دکتر احمد حجازی السقا (قاهره: مكتبة الكليات الازهرية، ۱۹۸۶م)، ۲۹.

۱۵. نصیرالدین طوسی، شرح الاشارات و التنبیها، تصحیح نجفقلی حبیبی (قم: نشر البلاغه، ۱۳۷۵)، ۱۴؛ ابن‌سینا، الاشارات و التنبیها، تصحیح نجفقلی حبیبی (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۴۰۱)، ۶۰.

تفاوت ابن سینا و فخر در این است که ابن سینا سخنی از «تکرار در تعریف» نمی‌آورد، ولی فخر سخن ابن سینا را به «تکرار در تعریف» گره می‌زند. همچنین، تفاوت فخر رازی با ابهری در این است که فخر تکرار در اضافیات را ضروری می‌داند و ابهری مجاز.

مقصود از قید «من حیث هو كذلك» بنا به تفسیر خواجه نصیر در شرح اشارات این است که اگر زید پدر عمرو باشد زید و عمرو به خودی خود و فی نفسه پدر و پسر نیستند، بلکه به این دلیل و از این جهت و از این حیثیت پدر و پسر هستند که اولی «از نطفه» دومی متولد شده است:

و مثاله ما ذكره فی حد «الأب» أنه «حيوان يولد آخر من نوعه من نطفته من حیث هو كذلك». فالحيوان هو الأب و الآخر من نوعه هو الابن لكنهما [= الحيوان و الآخر من نوعه] أخذاً عاربین عن الإضافة، و «من نطفته» سبب تضایفهما، و «من حیث هو كذلك» تکرار ضروری لما مضى و هو الذى یضیف معنى الإضافة إلى الحيوان الذى هو الأب و یخص البیان به لأن الأب إنما یكون مضافاً إلى الابن من هذه الحیثیة.^{۱۶}

از اینجا می‌توان نتیجه گرفت که مقصود از «من حیث هو كذلك» در اشارات این است: «من حیث إن الآخر من نوعه یولد من نطفته» و این همان تکرار است که فخر و ابهری و خواجه در سخن ابن سینا یافته‌اند.

بر خلاف نظر فخر رازی و ابهری، به نظر می‌رسد که در تعریف مفاهیم اضافی، هیچ نیازی به تکرار یا قید «من حیث هو كذلك» وجود ندارد. برای نمونه، مفهوم «پدر» را به صورت زیر و بدون هرگونه تکراری می‌توان تعریف کرد:

الف پدر ب است اگر و تنها اگر الف و ب هم‌نوع باشند و ب از نطفه الف پدید آمده باشد.

در این عبارت، هیچ یک از مفاهیمی که جزء تعریف «پدر» هستند تکرار نشده‌اند. البته متغیرهای «الف» و «ب» تکرار شده‌اند، اما متغیرها مفهوم نیستند، بلکه صرفاً جانگه‌دار به شمار می‌آیند و مقصود فخر و ابهری از تکرار، تکرار متغیرها نبوده است. افزون بر این، می‌توان این تعریف را بدون تکرار متغیرها و به صورت زیر نیز بیان کرد:

الف پدر ب است اگر و تنها اگر ب هم‌نوع الف و از نطفه او پدید آمده باشد.

۱۶. طوسی، نصیرالدین. شرح اشارات و التنبیها، جلد ۱ (قم: نشر البلاغه، ۱۳۷۵)، ۱۱۱.

و یا حتی:

الف پدر ب است اگر و تنها اگر ب از نطفه الف پدید آمده باشد.^{۱۷}

۴. قضیه ذهنیه

ابهری در زبده الاسرار عبارتی دارد که نشان می‌دهد که صرفاً قضیه ذهنیه را قبول دارد:

إذا قلنا «كل ج» ... لا نغني به ما يكون موجوداً في الخارج بل نغني به ما يفرضه
الذهن أنه «ج».^{۱۸}

عبارات ابهری در رساله‌های متأخرتر او به جای این تأکید بر فرض ذهنی، مفهومی اعم از وجود خارجی و فرض ذهنی را به عنوان مدلول «کل ج» در نظر می‌گیرد و به اصطلاح «قضیه حقیقیه» نزد متأخران نزدیک می‌شود:

واعلم إذا قلنا: «كل ج ب» فلا نغني ... ما يكون ج في الذهن فقط، أو في الخارج فقط، بل الأعم منهما، فهو كل ما لو وجد في الذهن أو في الخارج وجدت له الجسمية. ولا نغني به ما لو وجد وكان ج بالقوة بل كل ما لو وجد وجدت الجسمية بالفعل. فعلى هذا إذا قلنا: «كل ج ب» كان مرادنا أن كل ما لو وجد في الذهن أو الخارج وجدت له الجسمية بالفعل فهو بحيث إذا وجد كان ب.

وإذا قلنا: «لا شيء من ج ب» كان مرادنا أنه ليس ولا واحد مما لو وجد في الذهن أو في الخارج وجدت له الجسمية فهو بحيث إذا وجد كان ب. وقس عليهما الجزئيتين.^{۱۹}

شاید گفته شود که مقصود ابهری در زبده الاسرار همان است که در بیان الاسرار بیان می‌کند، یعنی مقصود او از «ما يفرضه الذهن» همان معنای اعم از ذهن و خارج است؛ اما باید توجه داشت که این تفسیر ما است و خلاف ظاهر عبارت است. ظاهر عبارت که با «لا نغني ... بل نغني ...» آغاز می‌شود دلالت بر نوعی حصر دارد، همان که در بیان الاسرار با عبارت «في الذهن فقط»

۱۷. ر.ک: مهدی عظیمی، «دشواری تعریف جنس و نوع اضافی و دیگر مفاهیم متضایف: ارسطو، فرفوریوس، فارابی، ابن‌سینا». جاویدان خرد، ش. ۲۰ (۱۳۹۰): ۱۲۳-۱۴۸؛ مهدی عظیمی، ماهیت منطقی و ماهیت منطقی، شرح منطق اشارات (نهج اول و دوم). قم: مجمع عالی حکمت، ۱۳۹۳.

۱۸. اثیرالدین ابهری، زبده الأسرار، تحقیق و تصحیح مهدی حسینی‌زاده (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴)، ۳۲.

۱۹. ابهری، بیان الاسرار، ۲۸۲.

بیان و رد می‌کند. بنابراین، ظاهر عبارت زبدة الاسرار بر خلاف ظاهر عبارت بیان الاسرار بر این دلالت دارد که مقصود از قضیه محصوره قضیه ذهنیه است، نه قضیه خارجیه یا حقیقیه در اصطلاح متأخرین.

اهمیت این نکته در آن است که ابهری، چنانکه دیدیم، در بیان الأسرار (و آثار بعدی اش) از انحصار قضیه در ذهنیه روی برمی‌گرداند؛ از این رو شمس‌الدین سمرقندی او را سرزنش و تأکید می‌کند که آنچه مورد قبول فارابی و ابن‌سینا بوده، بر خلاف نظر ابهری، قضیه ذهنیه است، نه قضیه خارجیه یا حقیقیه.

و رفض المتأخرون الذهنی، مع أنّ كثيراً من القضايا المستعملة فی العلوم لا تصدق إلا بهذا الاعتبار، مثل قولنا: «کُل نوع کُلّی» و «کُل جنس عامٌّ» و «اجتماع النقيضين ممتنعٌ» و «الممتنع معدومٌ» و «المعدوم غير محسوس» و أمثال هذه. و لعلّ المحققين من الأقدمين إنما اعتبروا هذا القسم فقط. و كلام الشيخ فی الإشارات يؤكّد هذا المعنى، حيث قال: "الإيجاب الحملی هو مثل قولنا: «الإنسان حيوان»؛ و معناه أنّ الشيء الذي يفرضه الذهن إنساناً - كان موجوداً فی الأعيان أو لم يكن - فيجب أن يفرضه حيواناً و يحكم عليه بأنّه حيوان. و كذا السلب الحملی و حاله تلك الحال." فعلم أنّ الشيخ إنّما اعتبر هذا القسم دون الباقي.^{۲۰}

اگر سخن سمرقندی درست باشد، باید بگوییم که ابهری دست کم در زبدة الاسرار مانند فارابی و ابن‌سینا فقط قضیه ذهنیه را می‌پذیرفته و بعدها به قضیه حقیقیه روی گردان شده است.^{۲۱}

۵. وصف موضوع

ابهری هم‌چنین اصطلاح «وصف موضوع» را در زبدة الاسرار برجسته کرده است:

ثم الجيم الموضوع فی اللفظ يسمى «وصف الموضوع».^{۲۲}

اهمیت این اصطلاح از آن رو است که خونجی در الموجز میان دو اصطلاح «وصف موضوع» و «ذات موضوع» تمایز می‌نهد:

۲۰. شمس‌الدین سمرقندی، قسطاس الافکار، تحقیق و تصحیح اسدالله فلاحی (تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۹)، ۲۵۶-۲۵۵.

۲۱. برای بررسی بیشتر موضوع و دیدگاه‌های ابهری در خصوص قضیه ذهنیه بنگرید به: اسدالله فلاحی، منطق سمرقندی (تهران: انتشارات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۴۰۴)، ۴۴-۴۱.

۲۲. ابهری، زبدة الأسرار، ۳۲.

واعلم أننا إذا قلنا «كل ج ب» أردنا به... «كل ما صدق عليه الجيم صدق عليه الباء» سواء كان الجيم حقيقة ما صدق عليه أو وصفاً له و كان حقيقته هي الباء أو أمراً ثالثاً. فعلى هذا ثبوت الباء إنما هو للذات التي صدق عليها الجيم و تسمى «ذات الموضوع». و ما عُبِّرَ به عن الموضوع كالجيم في مثالنا «عنوان الموضوع» و «وصفه». فقد يكون الوصف و الذات واحداً كقولنا «الإنسان حيوان» و قد يتغايران كقولنا «الكاتب حيوان».^{۲۳}

به نظر می‌رسد که این تمایز غیر از تمایزی است که میان دو اصطلاح «وصف موضوع» و «ذات موضوع» در موجهات مطرح می‌شود (در بحث از ضروریۀ مطلقه و مشروطۀ عرفیه، یا در بحث از دائمۀ مطلقه و عرفیۀ عامه). در مباحث موجهات، مقصود از دو اصطلاح یادشده هر دو وصف هستند؛ منتهی در یکی وصف ماهوی مقصود است و در دیگری وصف وجود. بنابراین، در موجهات، مقصود از «وصف موضوع» و «ذات موضوع» به ترتیب ماهیت و وجود است. اما در بحث «تحقیق محصورات» مقصود از «وصف موضوع» و «ذات موضوع» نه ماهیت و وجود بلکه اوصاف عرضی و ذاتی است، چنانکه پایان سخن خونجی در الموجز دلالت بر این نکته دارد.

بنابراین، به نظر می‌رسد در اینجا خونجی اصطلاح جدیدی را وضع کرده است که پیش از او چندان سراغ نداریم و می‌بینیم که مشابه آن را ابهری نیز در زبدة الاسرار مطرح کرده است، هرچند هنوز به اصطلاح «ذات موضوع» نرسیده است و باید منتظر آثار بعدی او (مانند دقائق الافکار) باشیم که به تفکیک مورد نظر خونجی برسد.

نکته دیگر در زبدة الاسرار اینکه او «کیفیت نسبت» را جهت گزاره می‌داند، درحالی که ابن سینا «کیفیت نسبت» را ماده گزاره و نه جهت آن می‌دانست:

ثم النسبة قد تعرض لها الكيفية: الضرورة والإمكان، وتسمى تلك «جهة».^{۲۴}

به نظر می‌رسد که این مسئله تحت تأثیر زین الدین کشی است که میان ماده و جهت تمایزی نمی‌گذاشت و جهت را «کیفیت نسبت» می‌گرفت:

لا بدّ لنسبة المحمولات إلى الموضوعات من كيفية - إيجابية كانت النسبة أو سلبية - و تسمى تلك الكيفية «جهة القضية».^{۲۵}

۲۳. افضل الدین خونجی، الموجز فی المنطق، مقدمه و تحقیق عبدالواحد جهدانی و جمال موجب (الکویت: دار ابن حزم، ۲۰۲۲)، ۸۴.

۲۴. ابهری، زبدة الأسرار، ۳۰.

۲۵. کشی، دقائق الحقائق، ۱۰۵.

منطق تصور و اقسام قضایا در زبدة الاسرار نوشته اثير الدين ابهری / فلاحی ۲۱

این خود نشانه‌ای از آن است که زبدة الاسرار هم‌چنان تحت تأثیر منطق دانان پیشین مانند فخر رازی و کشی است و زمان تأثیرپذیری از کشف الاسرار خونجی هنوز نرسیده است.

نکته مهم‌تر اینکه خونجی نیز در الموجز تحت تأثیر زین‌الدین کشی، «کیفیت نسبت» را «جهت» می‌نامد:

واعلم أنه لا بد فی کل قضية من جهة، وهی «کیفیه نسبة المحمول إلى الموضوع بالضرورة و الدوام و مقابليهما».^{۲۶}

اما در الجمل به تعریف ابن‌سینا برمی‌گردد و «کیفیت نسبت» را «ماده» نام می‌نهد:

کیفیه النسبة الحكمية بالضرورة والدوام ومقابليهما تسمى مادة ولا بد منها بحسب الامر نفسه فان صرح بالجهة ای باللفظ الدال عليها سميت القضية رباعية وموجهة والا مطلقة.^{۲۷}

می‌دانیم که الجمل در ۶۲۴ق. (در شهر مکه و به درخواست مفتی مکه شرف‌الدین مرسی) نوشته شده است.^{۲۸} شاید این را بتوان قرینه‌ای گرفت که نگارش الموجز پیش از نگارش الجمل بوده و بنابراین، نگارش الموجز را باید به سال‌های پیش از ۶۲۴ق. نسبت داد. (در این صورت، این احتمال خالد الرویهب که الموجز پس از کشف الاسرار نوشته شده باشد کاملاً منتفی خواهد بود).^{۲۹}

۶. موجّهات

یکی از مهم‌ترین گسست‌های زبدة الاسرار از آثار منطقی فخر رازی در معرفی موجّهات سیزده‌گانه است. می‌دانیم که فخر رازی ۱۳ گزاره موجّهه را نام‌گذاری و در طول تاریخ منطق در جهان اسلام پس از خود تثبیت کرده است. این ۱۳ گزاره عبارت‌اند از:

۱. ضروریّه مطلقه، ۲. دائمة مطلقه، ۳. مشروطه عامه، ۴. عرفیه عامه، ۵. مشروطه خاصه، ۶. عرفیه خاصه، ۷. وقتیّه، ۸. منتشره، ۹. مطلقه عام، ۱۰. وجودیه لادائمه، ۱۱. وجودیه لاضروریّه، ۱۲. ممکنه عامه، ۱۳. ممکنه خاصه.

۲۶. خونجی، الموجز فی المنطق، ۸۴؛ افضل‌الدین خونجی، الموجز فی المنطق، در شرح الموجز للخونجی فی المنطق، خَدَمَةُ ماهر محمّد عدنان عثمان و اسماعیل بن احمد شَرَاد (الکویت: دار الضیاء، ۲۰۲۴)، ۲۳۲.

۲۷. خونجی، الموجز، ۸۹.

۲۸. الرویهب، کشف الاسرار، بیست‌وهشت.

۲۹. بنگرید به: پاورقی: خالد الرویهب، کشف الاسرار عن غوامض الافکار، مقدمه و تحقیق خالد الرویهب (تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه آزاد برلین - آلمان، ۱۳۸۹)، ۲۹، سطر ۱۸.

ابهری در زبدة الأسرار به جای وقتی و منتشره دو گزاره مطلقه متوسطة و ممکنه متوسطة را می‌گذارد. با این کار، او عدد ۱۳ مورد نظر فخر رازی را نگاه می‌دارد، ولی در واقع ۱۳ او غیر از ۱۳ فخر رازی است. نکته مهم‌تر این است که او در آثار ۱۲ گانه بعدی، از این رویه عدول می‌کند و پیشنهادهای متعددی به میان می‌کشد که هیچ‌کدام جای موجبات ۱۳ گانه فخر رازی را در آثار دیگر منطق دانان نمی‌گیرد. امید می‌برم که در مقالات دیگری، در بررسی آثار بعدی ابهری، به تعداد و انواع موجبات پیشنهادی او پردازم.

در کتاب زبدة الأسرار، بر خلاف سه رساله دیگر از چهار اثر نخستین، در آغاز شانزده گزاره وجهه معرفی می‌شود:

موجبات:	ضروریات	دائمیات	مطلقات	ممکنات
۱	ضروریه مطلقه	دائمه	مطلقه عامه	ممکنه عامه
۲	مشروطه عامه	عرفیه عامه	مطلقه متوسطه	ممکنه متوسطه
۳	مشروطه خاصه	عرفیه خاصه	وجودیه لادائمه	ممکنه خاصه
۴	ضروریه وقتی		وجودیه لاضرریه	ممکنه بامکان اخص
۵	ضروریه منتشره			

(همه اینها پیش از ابهری در آثار ابن سینا و فخر رازی معرفی شده‌اند و ابهری تنها «مطلقه متوسطه» و «ممکنه متوسطه» را به این فهرست افزوده است که در زیربخش بعدی به آن خواهیم پرداخت.) از آنجا که فخر رازی تنها ۱۳ قضیه وجهه را موضوع بحث قرار داده بود، ابهری نیز این عدد را حفظ می‌کند و ۱۳ قضیه وجهه زیر را برای بحث در احکام قضایا و قیاس (اختلاطات) حفظ می‌کند:

موجبات:	ضروریات	دائمیات	مطلقات	ممکنات
۱	ضروریه مطلقه	دائمه	مطلقه عامه	ممکنه عامه
۲	مشروطه عامه	عرفیه عامه	مطلقه متوسطه	ممکنه متوسطه
۳	مشروطه خاصه	عرفیه خاصه	وجودیه لادائمه	ممکنه خاصه
۴			وجودیه لاضرریه	

منطق تصور و اقسام قضایا در زبدة الاسرار نوشته اثیر الدین ابهری / فلاحی ۲۳

ابهری در برخی از رسالات بعدی خود (مانند بیان الاسرار) وجودیه لازمیه را نیز کنار می‌گذارد و وجودیه لادائمه را به «مطلقه وجودیه»، اصطلاح کهن تر آن، تغییر نام می‌دهد و به ۱۲ موجهه منسجم می‌رسد:

موجهات:	ضرورت	دوام	اطلاق	امکان
مقید به وجود ذات	ضروریۀ مطلقه	دائمهۀ مطلقه	مطلقۀ عامه	ممکنۀ عامه
مقید به وجود وصف	مشروطۀ عامه	عرفیۀ عامه	مطلقۀ متوسطه	ممکنۀ متوسطه
مقید به لازمروت یا لادوام	مشروطۀ خاصه	عرفیۀ خاصه	مطلقۀ وجودیه	ممکنۀ خاصه

۷. مطلقۀ متوسطه و ممکنۀ متوسطه

در کتاب زبدة الاسرار، شاید مهم‌ترین نوآوری ابهری عبارت باشد از: «مطلقۀ متوسطه» و «ممکنۀ متوسطه». او این دو اصطلاح را جعل کرده است، چراکه نقیض‌های دو گزاره وجهی «عرفیه عامه» و «مشروطۀ عامه» از موجهات فخر رازی در آثار فخر نامی نداشته‌اند و ابهری با این نام‌گذاری خلأ در موجهات او را پر کرده است. توضیح اینکه پیش از ابهری، فخر رازی دو گزاره دائمی و ضروری «به شرط الوصف» را به ترتیب «عرفیه عامه» و «مشروطۀ عامه» نامیده بود:

عرفیه عامه: هر الف ب است مادامی که الف است

مشروطۀ عامه: هر الف ب است بالضروره مادامی که الف است

فخر رازی برای نقیض‌های این دو گزاره نامی قرارداد نکرده بود و ابهری این خلأ را با جعل نام‌های «مطلقۀ متوسطه» و «ممکنۀ متوسطه» پر می‌کند. برای درک بهتر این دو مفهوم کافی است به تعریف این دو گزاره وجهی جدید در موجهه کلیه بپردازیم:

مطلقۀ متوسطه: هر الف ب است در برخی زمان‌هایی که الف است.

ممکنۀ متوسطه: هر الف ب است بالامکان در برخی زمان‌هایی که الف است.

به همین شکل می‌توانیم این جهات را برای سالبه کلیه و موجبه و سالبه جزئی به‌ازنویسی کنیم. با این بیان، آشکار می‌شود که موجبه کلیه «عرفیه عامه» با سالبه جزئی «مطلقه متوسطه» در تناقض است و همچنین در مورد مشروطه عامه و ممکنه متوسطه.

نکته شگفتی که قابل طرح است اینکه افضل الدین خونجی «مطلقه متوسطه» و «ممکنه متوسطه» را در رساله الموجز فی المنطق (و نیز در کشف الأسرار) «حینیة مطلقه» و «حینیة ممکنه» نامیده است.^{۳۰} و همه منطق‌دانان بعدی در این اصطلاح از او پیروی کرده‌اند و نه از دو اصطلاح ابهری. اینکه الموجز خونجی مقدم بر زبدة الأسرار ابهری است یا برعکس و اینکه آیا اصولاً یکی از این دو از دیگری متأثر هستند یا نه بر نگارنده پوشیده است؛ اما به دلیل اینکه در آینده خواهیم دید که در بسیاری از موارد، ابهری متأثر از کشف الأسرار خونجی است و نه برعکس، اینجا نیز می‌توان این احتمال را مطرح کرد که دو اصطلاح «مطلقه متوسطه» و «ممکنه متوسطه» ابهری متأثر از «حینیة مطلقه» و «حینیة ممکنه» خونجی است و نه برعکس. البته این صرف احتمال و حدس است و طبیعتاً نیاز به شواهد قوی‌تر دارد. به طور خاص، ابهری در زبدة الأسرار ادعا می‌کند که این دو اصطلاح در کتاب‌های دیگر وجود نداشته است:

المطلقة المتوسطة: وهذه القضية ليست من المثبتات في الكتب إلا أنا أوردناها لشدة الحاجة إليها في المباحث.^{۳۱}

الممكنة المتوسطة: وهي أيضا ليست من المثبتات في الكتب.^{۳۲}

این ادعا، اگر صدق آن پذیرفته شود، اثبات می‌کند که ابهری با دو اصطلاح «حینیة مطلقه» و «حینیة ممکنه» از خونجی آشنا نبوده است، اما اثبات نمی‌کند که خونجی با دو اصطلاح «مطلقه متوسطه» و «ممکنه متوسطه» ابهری آشنا بوده است یا نه. ابهری این دو اصطلاح را در همه رساله‌ها و کتاب‌های ۱۲گانه بعدی خود به کار برده است و می‌دانیم که نجم الدین کاتبی چهار رساله از آن ۱۲ اثر را نزد خود ابهری خوانده است؛ با وجود این سراغ نداریم که او اصطلاحات استادش را به کار برده یا به آنها اشاره‌ای کرده باشد، بلکه در همه موارد اصطلاح‌های خونجی را به کار می‌برد. این شاید نشانه‌ای از اصالت و تقدم اصطلاح‌های خونجی بر ابهری باشد، هرچند نه نشانه‌ای صددرصد قطعی و فیصله‌بخش.

۳۰. خونجی، الموجز، ۹۱؛ خونجی، کشف الأسرار، ۱۰۷-۱۰۸ و ۱۲۵.

۳۱. ابهری، زبدة الأسرار، ۳۳.

۳۲. ابهری، زبدة الأسرار، ۳۳.

منطق تصور و اقسام قضایا در زبدة الاسرار نوشته اثير الدين ابهرى / فلاحى ۲۵

تنها منطق دانی که سراغ داریم «مطلقه متوسطة» ابهرى را به کار برده شمس الدين شهرزورى در کتاب الشجرة الالهية است:

و الحينية المطلقة و هى القضية التى حکم فيها بثبوت المحمول للموضوع أو بسلبه عنه بالفعل فى بعض أوقات الوصف العنوانى، كقولك: «کل من به ذات الجنب فإنه يسعل فى بعض أوقات كونه مجنوبا» و تسمى أيضا بالمطلقة المتوسطة.^{۳۳}

این نشان می دهد که شهرزورى به آثار خونجی و ابهرى دسترسی داشته است. در واقع، او دست کم یک بار به نام «افضل» الدين خونجی و «اثير» الدين ابهرى اشاره می کند:

و المتأخرون عنهم زمانا، كلا أفضل والأثير و أتباعهم، فإنهم و إن دققوا و فصلوا و ذهبوا فى العکسین و المختلطات و الشرطیات و مواضع أخرى، فالفیلسوف السالك لا یفتقر إلى ذلك؛ و إن كان فإلى أصل الباب، لا إلى التفاصيل التى لا تفید إلا تشحید الفكرة.^{۳۴}

و آن دو را به گنگی و لالی، بازی با دنیا، پرداختن به دکان های خویش، هذیان و پریشان گوئی، تلاش برای خاموش کردن نور خدا، نشاختن ذوق حکمت، غرق شدن در محبت دنیا و مناصب آن، تاریکی نفس، غلظت طبع و انحراف از روش پیشینیان متهم می کند:

فإذا وصل هؤلاء إلى المهمات الفلسفية خرسوا و صمموا و شرعوا یلعبون بال دنیا و یعمرن دکانینهم بأنواع الترهات: من أنه «لا برهان للفلاسفة»، و «لا یتم البیان»، و «فیه منع»، و أمثال هذه الهذیانات، یریدون أن یطفئوا نور الله بأفواههم؛ و لقد خرجوا من دنیا و لم یعرفوا ذوق الحکمة، لشدة استغراقهم فى محبة دنیا و مناصبها، و ظلمة نفوسهم، و كثافة طباعهم، و انحرافهم عن طریق الأوائل - رضى الله عنهم - و الحکمة لطيفة، لا تدرك إلا باللطف العظیم.^{۳۵}

۳۳. رسائل الشجرة الالهية فى علوم الحقایق الربانية، ص: ۱۳۶.

۳۴. شمس الدين شهرزورى، رسائل الشجرة الالهية فى علوم الحقایق الربانية، مقدمه و تصحیح و تحقیق از دکتر نجفقلی حبیبی، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۳، ۲۱۱.

۳۵. شهرزورى، رسائل الشجرة الالهية فى علوم الحقایق الربانية، ۲۱۱.

اتفاقاً، ابهری در پایان آخرین کتاب خود، تزییل الأفكار، سخنی دارد که گزارش شهرزوری را تا حدی تأیید می‌کند:

و اعلم أنّ جميع ما أودعناه في المقاليتين الأخيرين [الطبیعیات و الإلهیات] أمورٌ إقناعیةٌ لا برهانیة، ذکرناها لتكمیل الصناعة.^{۳۶}

این نشان می‌دهد که ابهری در پایان عمر از یافتن برهان در طبیعیات و الهیات ناامید گشته بود و شهرزوری چندان بی‌جهت او (و خونجی؟) را متهم به کُری و لالی در «مهمات فلسفه» نساخته است.

۸. مطلقه متوسطة به عنوان عکس مستوی

ابهری برای نخستین بار در تاریخ منطق متفطن می‌شود که عکس مستوی هفت قضیه موجهه برابر است با مطلقه متوسطة:

فالضرورة والدائمة والمشروطتان والعرفيتان والمطلقة المتوسطة تنعكس مطلقة متوسطة ونذكر ذلك في الموجبة الكلية وإذا عرفته فقس عليه الموجبة الجزئية. فنقول: إذا صدق «كل ج ب» بهذه الجهات «فبعض ب ج بالإطلاق المتوسط» وإلا «فلا شيء من ب ج مادام ب» «فلا شيء من ج ب مادام ج» وقد كان «كل ج ب» بهذه الجهات هذا خلف.^{۳۷}

خونجی در الموجز خود متفطن این نکته نشده و عکس ضروریه را مانند هدایة الحکمه‌ی ابهری «مطلقة عامه» می‌گیرد:

و الموجبات الفعلية كلية كانت أو جزئية تنعكس جزئية... و مطلقة عامّة في الجهة.^{۳۸}

این نشان می‌دهد که الموجز خونجی و زبدة الاسرار ابهری مستقل از یکدیگر نوشته شده‌اند. خونجی در کشف الأسرار، شاید تحت تأثیر ابهری، متوجه این دقیقه شده و به آن تصریح می‌کند:

۳۶. ابهری، اثیرالدين. تزییل الأفكار فی تعديل الأسرار، نسخة خطی، کتابخانه لاله‌لی استانبول، ش. ۲۵۶۲ (استانبول:

کتابخانه لاله‌لی، [بی‌تا])، برگ ۷۵.

۳۷. ابهری، زبدة الأسرار، ۴۱.

۳۸. خونجی، الموجز، ۶۵.

منطق تصور و اقسام قضایا در زبدة الاسرار نوشته اثير الدين ابهری / فلاحي ۲۷

و أمّا الضرورية و الدائمة و العاتتان - کلیة كانت أو جزئية - تتعكس «حینیة»
موجبة جزئية».^{۳۹}

هیچ بعید نیست که پیش از نگارش کشف الأسرار عن غوامض الأفكار، آثار مقدماتی و میان ابهری یا اندیشه‌های طرح شده در آن - با یا بی واسطه - به دست خونجی رسیده باشد.

۹. جمع بندی

از آنچه گذشت، می‌توانیم ویژگی‌های برجسته و نوآوری‌های بخش نخست کتاب زبدة الاسرار را در فهرست زیر گرد آوریم:

۱. تعریف اصطلاح «اقوال تقييدیه» (تحت تأثیر زین‌الدین کشی)
 ۲. جواز تکرار در تعریف اضافیات (تحت تأثیر فخر رازی)
 ۳. تمایل به قضیه ذهنیه (در برابر حقیقه و خارجیه) (تحت تأثیر افضل الدین خونجی)
 ۴. اصطلاح «وصف موضوع» (در برابر «وصف موضوع») (تحت تأثیر افضل الدین خونجی)
 ۵. موجهات ۱۶ گانه و ۱۳ گانه (تحت تأثیر فخر رازی)
 ۶. مطلقه متوسطة و ممکنه متوسطة (در برابر عرفیه و مشروطة عامه) (تحت تأثیر افضل الدین خونجی؟)
 ۷. انعکاس ضروریه و دائمه به «مطلقه متوسطة» (و نه مطلقه عامه یا ممکنه عامه)
- دیدیم که دو اصطلاح «مطلقه متوسطة» و «ممکنه متوسطة» مفهوماً برابر هستند با دو اصطلاح «حینیة مطلقه» و «حینیة ممکنه» از افضل الدین خونجی که در رساله الموجز مطرح کرده است. اما آیا یکی از این دو اثر تحت تأثیر دیگری است؟ هیچ شاهد مستحکمی برای پاسخ به این سؤال وجود ندارد و این احتمال می‌رود که این دو اثر مستقلاً به این مفاهیم رسیده و نام‌های متفاوتی برای آن دو جعل کرده‌اند یا هر دو از یک اثر معاصر اما پیشین برگرفته‌اند. البته ابهری در زبدة الاسرار تأکید دارد که این دو مفهوم و دو اصطلاح پیش از او در آثار دیگران نبوده است؛ بنابراین احتمال استقلال ابهری و خونجی در رسیدن به این دو مفهوم برجسته می‌شود.

۳۹. کشف الأسرار عن غوامض الأفكار، ص ۱۳۹.

البته در مورد آخر، انعکاس ضروریه و دائمه به «مطلقه متوسطه» باید ابهری را نوآور به شمار آورد، زیرا خونجی در الموجز با اینکه به مفهوم «حینیة مطلقه» رسیده، اما انعکاس ضروریه و دائمه به آن را مطرح نکرده است و صرفاً در کشف الاسرار عن غوامض الأفكار به این مفهوم می‌رسد. این نشان می‌دهد که ابهری در رسیدن به این نکته نوآور بوده و قطعاً تحت تأثیر خونجی نبوده است. اما آیا خونجی در کشف الأسرار متأثر از این نوآوری ابهری در زبدة الاسرار بوده است؟ فعلاً پاسخی به این پرسش نداریم.

۱۰. سپاس‌گذاری

در به دست آوردن نسخ خطی زبدة الاسرار و تصحیح آن وام‌دار دوستان و همکاران محترم، مهدی اسدی از پژوهشگاه علوم انسانی، محمد خدابنده‌لو از حوزه علمیه قم و علی فکری یاووز از استانبول ترکیه هستم و بدین وسیله مراتب قدردانی خود را از ایشان ابراز می‌دارم.

منطق تصور و اقسام قضایا در زبدة الاسرار نوشته اثیر الدین ابهری / فلاحی ۲۹

فهرست منابع

الف- منابع فارسی:

ابهری، اثیرالدین. تلخیص الحقائق، در مهدی عظیمی، «منطق ابهری در تلخیص الحقائق»، جاویدان خرد ۳۰ (۱۳۹۵): ۱۰۱-۱۳۲.

ابهری، اثیرالدین. زبدة الحقائق، در مهدی عظیمی، «منطق ابهری در زبدة الحقائق»، فلسفه و کلام اسلامی ۵۲ (۱۳۹۸): ۹۱-۱۲۰.

ابهری، اثیرالدین. المطالع، در مهدی عظیمی، «منطق ابهری در المطالع»، فلسفه و کلام اسلامی ۵۳ (۱۳۹۹): ۲۰۰-۱۶۳.

ابهری، اثیرالدین. «رساله فارسی»، تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۱۷، شماره ۳ و ۴ (۱۳۴۹): ۴۸۴-۴۹۴.

ابهری، اثیرالدین. «منطق هدایة الحکمه»، تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۱۷، شماره ۳ و ۴ (۱۳۴۹): ۴۵۸-۴۸۳.

ابهری، اثیرالدین. «تنزیل الأفكار فی تعدیل الأسرار»، در منطق و مباحث الفاظ، گردآوری مهدی محقق و توشیهیکو ایزوتسو، ۱۳۷-۲۴۸. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.

ابهری، اثیرالدین. «هدایة الحکمة»، تصحیح نجفقلی حبیبی، در خرد و خردورزی: ارج‌نامه دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، به کوشش علی اوجبی. تهران: خانه کتاب، ۱۳۸۷.

ابهری، اثیرالدین. دقائق الافکار، تحقیق و تصحیح محمود محمدجعفر جامه‌بزرگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.

ابهری، اثیرالدین. زبدة الأسرار، تحقیق و تصحیح مهدی حسینی‌زاده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.

ابهری، اثیرالدین. منتهی الأفكار فی إبانة الأسرار (منطق تحریرهای یکم و دوم)، تصحیح مهدی عظیمی و هاشم قربانی، مقدمه مهدی عظیمی. تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۹۵.

ابهری، اثیرالدین. بیان الاسرار، در مهدی عظیمی، «منطق ابهری در بیان الاسرار»، فلسفه و کلام اسلامی ۵۰ (۱۳۹۶): ۲۹۹-۲۶۹.

ابهری، اثیرالدین. خلاصة الأفكار و نقاوة الأسرار، تصحیح مهدی عظیمی و هاشم قربانی، مقدمه مهدی عظیمی. تهران: انتشارات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۶.

ابهری، اثیرالدین. مراد المقاصد، تحقیق الدكتور راجح مصطفى مصطفى هلال، المدرس بقسم العقيدة والفلسفة بكلية أصول الدين، جامعة الأزهر، تقديم الأستاذ الدكتور عبد الله محمد إسماعيل، كلية أصول الدين. قاهره: جامعة الأزهر، ۲۰۲۴م.

ابهری، اثیرالدین. تزیل الأفكار فی تعديل الأسرار، تحقیق و تصحیح محمود آئی و مصطفى بورص بوغا. استانبول: دانشگاه ابن خلدون، ۲۰۲۵م.

عظیمی، مهدی. ماهیت منطق و ماهیت منطق، شرح منطق اشارات (نهیج اول و دوم). قم: مجمع عالی حکمت، ۱۳۹۳.

عظیمی، مهدی. «منطق ابهری در تلخیص الحقائق». جاویدان خرد ۳۰ (۱۳۹۵): ۱۰۱-۱۳۲.

عظیمی، مهدی. «منطق ابهری در بیان الاسرار». فلسفه و کلام اسلامی ۵۰ (۱۳۹۶): ۲۶۹-۲۹۹.

عظیمی، مهدی. «منطق ابهری در زیادة الحقائق». فلسفه و کلام اسلامی ۵۲ (۱۳۹۸): ۹۱-۱۲۰.

عظیمی، مهدی. «منطق ابهری در المطالع». فلسفه و کلام اسلامی ۵۳ (۱۳۹۹): ۱۶۳-۲۰۰.

فخر رازی، محمد بن عمر. منطق الملخص، تصحیح احد فرامرز قراملکی و آدینه اصغری نژاد. تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۱.

فلاحی، اسدالله. منطق تطبیقی. تهران: سمت، ۱۳۹۵.

فلاحی، اسدالله. «اثیرالدین ابهری: نخستین چهار اثر منطقی». هستی و شناخت ۱۰، ش. ۲ (۱۴۰۲): ۱۱۳-۱۴۰.

فلاحی، اسدالله. «برهان افتراض در نخستین آثار منطقی ابهری». هستی و شناخت ۱۱، ش. ۱ (۱۴۰۳).

فلاحی، اسدالله. منطق سمرقندی، تهران: انتشارات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۴۰۴.

ب- منابع عربی:

ابن سینا، حسین. الاشارات و التنبیها. تصحیح نجفقلی حبیبی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۴۰۱.

ابهری، اثیرالدین. المطالع، نسخه خطی در کتابخانه فاضل احمد پاشا، استانبول: کتابخانه کوپرلی استانبول، به شماره ۱۶۱۸/۳، ص ۷۷-۹۰، [بی تا].

ابهری، اثیرالدین. ایساغوجی، تصحیح الأشیری. [بی جا: بی تا]، ۱۴۳۹ق.

ابهری، اثیرالدین. ایساغوجی، نسخه خطی، استانبول: کتابخانه مراد ملا، ش. ۱۴۸۵، [بی تا].

ابهری، اثیرالدین. بیان الاسرار، نسخه خطی در کتابخانه فاضل احمد پاشا، استانبول: کتابخانه کوپرلی استانبول، به شماره ۱۶۱۸/۱، ص ۴۴-۵۹، [بی تا].

منطق تصور و اقسام قضایا در زبدة الاسرار نوشته اثير الدين ابهرى / فلاحى ۳۱

ابهرى، اثيرالدين. تلخیص الحقائق، نسخه خطی در کتابخانه فاضل احمد پاشا، استانبول: کتابخانه کوپریلی استانبول، به شماره ۲/۱۶۱۸، ص ۴۴-۵۹، [بی تا].

ابهرى، اثيرالدين. تزیل الأفكار فی تعدیل الأسرار، نسخه خطی، استانبول: کتابخانه لاله‌لی استانبول، به شماره ۲۵۶۲، [بی تا].

ابهرى، اثيرالدين. زبدة الحقائق، نسخه خطی، استانبول: کتابخانه فاضل احمد پاشا در کتابخانه کوپریلی استانبول، به شماره ۴/۱۶۱۸، ص ۱۰۷-۱۱۹، [بی تا].

ابهرى، اثيرالدين. عنوان الحق و برهان الصدق، تحقیق و تصحیح زین العابدین حسین، استانبول: دانشگاه ابن‌خلدون، ۲۰۲۵م.

ابهرى، اثيرالدين. كشف الحقائق فی تحرير الدقائق، تصحیح حسین صاریاوغلو. استانبول: [بی تا]، ۱۹۹۸م.

ابهرى، اثيرالدين. كشف الدقائق فی علم الحقائق، تهران: نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش. ۱۴۸۲، [بی تا].

ابهرى، اثيرالدين. مراد المقاصد، تصحیح مصطفی بورص بوغا و سمیه شهیده جان. استانبول: جامعه ابن‌خلدون، ۲۰۲۵م.

ابهرى، اثيرالدين. هداية الحكمة، تصحیح عبدالرحمن ترکمانی. بیروت: دار الراحین، ۱۳۹۸.

بهمنیار بن مرزبان. التحصیل. تحقیق مرتضی مطهری. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.

خونجی، افضل‌الدین. كشف الاسرار عن غوامض الافکار، مقدمه و تحقیق خالد الرویهب، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه آزاد برلین - آلمان، ۱۳۸۹.

خونجی، افضل‌الدین. الجمل فی المنطق، در ابن واصل، ابوعبدالله محمد بن سالم الحموی، شرح الجمل، تصحیح خالد الرویهب، لایدن/بوستون: بریل، ۲۰۲۲.

خونجی، افضل‌الدین. الموجز فی المنطق، در شرح الموجز للخونجی فی المنطق، حَدمَه ماهر محمد عدنان عثمان و اسماعیل بن احمد شَراد، الکویت: دار الضیاء، [بی تا].

خونجی، افضل‌الدین. الموجز فی المنطق، مقدمه و تحقیق عبد الواحد جهدانی و جمال موحیب، الکویت: دار ابن حزم، ۲۰۲۲.

سمرقندی، شمس‌الدین. قسطاس الافکار، تحقیق و تصحیح اسدالله فلاحی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۹.

- شهرزوری، شمس‌الدین. رسائل الشجرة الإلهية في علوم الحقائق الربانية. مقدمه، تصحيح و تحقيق نجفقلی حبیبی. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۳.
- طوسی، نصیرالدین. شرح الاشارات و التنبیها، قم: نشر البلاغه، ۱۳۷۵.
- طوسی، نصیرالدین، تعديل المعيار في شرح تنزيل الافكار، در منطق و مباحث الفاظ، گردآوری مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۳. ۱۳۷-۲۴۸.
- طوسی، نصیرالدین. شرح الاشارات و التنبیها. تصحيح نجفقلی حبیبی. قم: نشر البلاغه، ۱۳۷۵.
- فخر رازی، محمد بن عمر. لباب الاشارات و التنبیها. مقدمه و تحقيق احمد حجازی السقا. قاهره: مكتبة الكليات الازهرية، ۱۹۸۶م.
- کشی، زین‌الدین عبدالرحمن. حدائق الحقائق في علم المنطق و الطبيعي و الإلهی، تصحيح علی اصغر جعفری ولنی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگي، ۱۴۰۴.
- میرداماد، محمدباقر. مصنفات میرداماد، الافق المبين. جلد ۲. به اهتمام عبدالله نورانی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگي، ۱۳۸۵.